

به ۳۰۰ هزار نیروهای نظامی بسیار مجهز داخلی و خارجی را تحمل کرده بودند، قربانی‌های زیادی را در این مسیر داده بودند و تبعاً به لحاظ نظامی پختگی کافی پیدا کرده بودند، البته حمایت نظامی، سیاسی، مالی کشورهای مخالف حضور امریکا در افغانستان از طالبان را نمی‌توانیم نادیده بگیریم، اما نکته بسیار مهم این بود که شاید گروه‌هایی بودند که مخالف حضور امریکا در افغانستان بودند یا حتی مبارزه می‌کردند، ولی مبارزه، مبارزه بیشتر سیاسی و نهایتاً مدنی بود و ظرفیت نظامی نداشت، ظرفیت سیاسی قدرتمندی نداشت و در مجموع تحریک اسلامی طالبان تنها جریانی بودند که هم یک نفوذ عمیق در بین مردم افغانستان مخصوصاً در ولایت‌های جنوبی داشتند، هم اینکه توانستند در عرصه سیاسی هم ارتباطات وسیعی را به دست بیاورند، گروه‌های لابی بسیار قدرتمندی را در بسیاری از کشورهایی که مخالف حضور امریکا در افغانستان بودند ایجاد کردند و من فکر می‌کنم در مجموع تحریک اسلامی طالبان برای مخالفین حضور امریکا در افغانستان ثابت کردند تنها جریان سیاسی ایدئولوژیک و نظامی هست که ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه بدیل نظم سیاسی بعد از ۲۰۰۱ را می‌توانند داشته باشند، ضمن اینکه به هر حال قوت نظامی تحریک اسلامی طالبان یک قوت نظامی قابل توجه و چشمگیر بود و نکته بسیار مهمی که معمولاً در معادلات و در محاسبات سیاسی و نظامی کمتر محاسبه می‌شود، انگیزه مجاهدین امارت اسلامی بود که این خیلی با عدد و رقم قابل محاسبه نیست. عملاً چیزی به نام شکست در ذهنیت مجاهدین تحریک اسلامی طالبان از قدیم وجود نداشت و حال هم وجود ندارد، می‌گویند اگر ما پیروز شدیم، قاضی هستیم؛ اگر شکست خوردیم شهید.

می‌توانیم دوسه ماه مانده به جریان خروج امریکایی‌ها و سقوط دولت اشرف غنی، شهرها یکی پس از دیگری به دست نیروهای طالب می‌افتاد و مقاومتی نه از طرف مردم و نه از طرف نیروهای نظامی اتفاق نیفتاد. دلیل این چه بود؟ آیا معامله‌ای صورت گرفته بود؟

فاکتور اول این بود که یقیناً در اینکه برخی قطعات نظامی وارد عمل نشدند، معامله صورت گرفته بود. فاکتور دوم این بود که مردم به هیچ عنوان حاضر نبودند برای بقای یک حکومتی که عملاً نسبتی با مردم افغانستان نداشت، دارای فساد، تبعیض، بی‌عدالتی، سرکوب و از همه مهم‌تر اینکه گماشته خارجی‌ها است، جان خود را به خطر بیندازند. فاکتور سوم اینکه مردم افغانستان علاقه مند بودند یک بار دیگر حکومت طالبان را تجربه کنند، حکومتی که بتواند هم امنیت سیاسی را در افغانستان تأمین کند و هم فساد را به صفر برساند. من یادم است در آن مقطع، مردم می‌گفتند ما دکان‌های خود را باز می‌گذاشتیم می‌رفتیم خانه خود، نماز خود را می‌خواندیم، نان خود را می‌خوردیم، دکان باز بود و یک سوزن کم نمی‌شد یا مثلاً مقامات طالبان بسیار زندگی ساده و فقیرانه‌ای داشتند، اینکه اگر طالبان حکومت را بگیرد حداقل از انفجار و انتحار و جنگ و این موضوعات می‌توانیم نجات پیدا کنیم. در بسیاری جاها مردم حتی از طالبان استقبال کردند، به نظرم این فاکتورها، فاکتورهای مهمی بود و فاکتور بسیار مهم آخر این بود که عملاً مقامات حکومت، مقامات نظامی حکومت از زمانی که آقای ترامپ اعلام کرد که می‌خواهد افغانستان را ترک کند و مذاکرات دوحه قطر شروع شد و مخصوصاً با روی کار آمدن آقای بایدن که بدون قید و شرط خروج نیروهای امریکا را از افغانستان اعلام کرد، شیرازه‌شان از هم پاشید.